

تحلیل نعت حضرت مصطفی^(ص) در قصاید خاقانی

عباس ماهیار

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی

لیلا کرمی*

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی

(از ص ۵۳ تا ۷۲)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۶/۲۵

چکیده

نعت حضرت رسول اکرم^(ص) از زمان ظهور اسلام، هم فصل مشترک مذهبی- ادبی فرقه‌های مختلف دین اسلام است و هم فتح‌الباب دیوان‌های اغلب شاعران عربی و فارسی است. در بلاغت فارسی و عربی، نعت، زیرگونه مدح معرفی شده است. خاقانی شروانی یکی از شاعران مداح زبان فارسی است که در دیوان خود و به‌ویژه در قصایدش، نعتیه‌های فراوانی در قالب مدح سروده است. این پژوهش می‌کوشد به روش تحلیلی- توصیفی در قلمرو قصاید خاقانی، روشن کند که نعتیه‌های وی دارای چه ساختار و مضمونی است و چه اغراض و ابزاری در این زیرگونه ادبی- بلاغی وجود دارد. با تأمل و دقت در نعتیه‌های فراوان خاقانی دریافتیم که این زیرگونه ادبی دارای مضامین و درون‌مایه‌های ژرف دینی است که با کمال صداقت و رعایت معیارهای اخلاقی، مستند به تاریخ، به دور از اغراق‌های افراطی و با هدف التجا و تمسک به حضرت رسول^(ص) در لحظات دشوار، شناسایی معارف و آموزه‌های دینی و مذهبی و ... سروده شده است.

واژه‌های کلیدی: شعر فارسی، خاقانی، نعت، نعت نبوی، حضرت مصطفی^(ص).

۱. مقدمه

از آنجاکه تاکنون در زبان فارسی به مقوله نعت حضرت مصطفی (ص) به طور خاص و مجزاً توجه نشده و تنها اندکی از منابع و آثار مختلف، مختصری درباره این نوع شعر سخن گفته‌اند، و نیز باتوجه به اینکه منابع بلاغی و ادبی، به صورت ویژه به نعت به عنوان گونه‌ای بلاغی - ادبی در زیرمجموعه مدح نپرداخته‌اند، پژوهش حاضر به این موضوع اختصاص یافته است.

با نگاهی کوتاه به آثار ادبی، عرفانی و اجتماعی زبان فارسی، به گروهی از این آثار برمی‌خوریم که به نعت حضرت رسول (ص) پرداخته‌اند. در کتب و آثار مختلف فارسی، سیمای معنوی آن حضرت پس از تمهیدیه‌ها نمایان می‌شود و آثار موجود آکنده از ذکر نام، ویژگی‌ها، احوال، معجزات و حوادث زندگانی ایشان است. نعتیه‌های حضرت رسول (ص) را در اشعار فارسی و عربی می‌توان زیرگونه‌ای بلاغی از انواع مدح دانست. انواع نعتیه‌ها در دوره‌های مختلف ادبی و تاریخی، در قالب‌ها و وزن‌های گوناگون و به مقتضای ذوق و مشرب و آیین خاص شعرا سروده شده است.

در شعر شاعران عرب، با طلوع دین اسلام و تحت تأثیر گفتار و اعمال آسمانی آن حضرت، مدح و نعت نبوی به صورت‌های مختلف تجلی و رواج یافت و سرآغاز مسیری شد که به دلیل اتفاقات تاریخی و مذهبی زندگانی حضرت رسول (ص) و پس از ایشان (زندگانی و سیره ائمه اطهار) مداحی‌هایی در قالب نعت‌سرایی، منقبت‌سرایی و ... شکل گرفت. در واقع نمود شخصیت، فضایل، معجزات و حوادث زندگانی آن حضرت تا حدودی در شعر عرب بروز یافت. جنگ‌ها و نزاع‌های آن دوره موجب شد شاعران تازه‌مسلمان، مانند حسان بن ثابت و کعب بن مالک و ...، از مفاخر نظامی و جنگی قبیله‌های خود بیشتر بسرایند؛ ولی باوجود این، از نعت حضرت غفلت نکردند و نعتیه‌هایی برای ایشان سرودند. کعب بن زهیر و حسان بن ثابت از شعرای مخضرم‌اند که پس از قبول اسلام از مداحان حضرت مصطفی (ص) شدند و آثارشان در این زمینه از ماندگارترین نعت است. «رشته مدایح عربی پیغمبر اکرم (ص) از همان تاریخ تا زمان حاضر امتداد داشته و کتابی در این باره به نام نعت النبی فی الادب العربی نیز در ادبیات عربی تألیف شده است» (دهشیری، ۱۳۴۸: ۶).

ویژگی مهم اشعار این شاعران، تأثیرپذیری آنها از قرآن، علوم اسلامی و فرهنگ دینی است که این ویژگی، آنها را از شعر شعرای جاهلی نیز متمایز می‌کند. این شعرا بنا

به دلیل وجود فضای کشمکش و جنگ‌های پیامبر^(ص) و یارانش با قریشیان و کفار، در اشعار خود بیشتر از ابزار جنگی، اسب‌ها، شمشیرها و آلات رزم سخن گفته‌اند و این نوع از گفتار آنها در نعتیه‌های نبوی نیز بروز کرده است، و در بیت‌های پایانی شعر و به‌طور غیرمستقیم به مدح حضرت پرداخته‌اند.^۱

انَّ الرَّسُولَ لَسَيْفٌ يَسْتَضَاءُ بِهِ	مَهْنَدٌ مِّنْ سَيْوفِ اللَّهِ مَسْلُوكٌ
فِي عَصِيَّةٍ مِّنْ قَرِيشٍ قَالَ قَاتِلُهُمْ	بِطَنٍ مَّكَّةَ، لَمَّا أَسْلَمُوا: زُؤَلُوا!
زَالُوا: فَمَا زَالَ أُنْكَاسٌ وَلَا كَشْفٌ	عِنْدَ اللَّقَاءِ، وَ لَا مِيلٌ مَّازِيلٌ ^۲

(الفاخوري، ۱۳۹۳: ۱۷۵-۱۷۶)

نعت به‌عنوان گونه‌ای از اشعار عبادی و مذهبی در میان اقوام مختلف مسلمان و کشورهایایی که ساکنان مسلمان دارند، بی‌مرز و محدودیت است و گستره جغرافیایی، زبانی، قومی و ... را درنوردیده است؛ از همین‌رو، در نعتیه‌های فارسی نیز این علاقه و عشق به پیامبر^(ص) و دفاع از دین مبین اسلام به شکل‌های گوناگونی نمود یافته است. این توجه، از نوع نگرش و علاقه ایرانیان به دین اسلام و وجود آن حضرت سرچشمه می‌گیرد. در تفاوت نعتیه‌های فارسی و عربی می‌توان به‌طور مختصر چنین گفت:

نعت فارسی آواز دلنشین و صادقانه احساسات و عواطف شورانگیز شاعران است که در عشق به حضرت رسول^(ص) و دوری از آن حضرت و برای عرض ارادت و محبت به ایشان سروده شده و با شوق درونی و صادقانه که از نوع شوق مردم بافرهنگ و اصیل ایران است، آمیخته شده است. نعت فارسی از ویژگی‌ها و فضایل اخلاقی، معنوی و عرفانی حضرت سرچشمه می‌گیرد و تحت‌تأثیر معجزات و حوادث زندگانی ایشان در قالب شعر مدیحه بروز می‌یابد. نعتیه‌های فارسی در نظام‌هایی هماهنگ و برخوردار از موسیقی دلنواز و ترکیباتی با معانی بلند و والا و ارائه تصاویر، اوصاف شایسته و مثال زدنی، به دور از تشبیهات سخیف و دور از شأن حضرتش و کلمات ناشایست و به‌طور کلی با مضامین ناب و بلند اخلاقی عرفانی آمیخته است، اما در نعوت نبوی عربی نه‌تنها از لطافت روح و عواطف بی‌شائبه و دلنشین شعرا اثری نیست، بلکه در آنها شمشیر و پرچم و متعلقات آن حضرت، بیش از فضایل روحانی و گفتار و رفتار رحیمانه و حکیمانه ایشان نمود یافته‌است و گاه تشبیهاتی، نه در شأن ایشان، همچون شیر و شمشیر هندی و ... به‌کاربرده شده است. این تفاوت حتی در نعت‌خوانی‌های ایرانیان با موسیقی آوازی مخصوص مناطق مختلف ایران کاملاً مشهود است. در اشعار نعت فارسی بیشترین دقت

در تشبیهات و استعارات و دیگر صنایع به کاررفته است تا ترک ادب شرعی در مقام حضرت رسول (ص) صورت نگیرد و به شایسته‌ترین شکل با والاترین کلمات و تعبیرات و ترکیبات به مدح ایشان پرداخته شده است.

در ادب فارسی این موضوع به گستردگی تمام و از زوایای متفاوت در نمونه‌های مختلف ادبی و شعری نمود یافته است؛ تألیفات، مقالات و قطعاتی که هر کدام با هدفی خاص شکل گرفته‌اند. دربارهٔ توصیف و نعت رسول اکرم (ص) در ادب فارسی، در شعر فارسی و در شعر شاعران مختلف، کارهای فراوانی صورت گرفته است، اما در حیطة شعر خاقانی تا آنجا که نگارنده می‌داند، آثاری به صورت مقاله و کتاب قلمی شده است؛ از جمله مقالهٔ عظامحمد رادمنش (۱۳۸۸) با عنوان «بازتاب کمال نبوی در دیوان خاقانی» که ابعاد مضامین و مفاهیم برخاسته از هنر و اندیشه و خامهٔ خاقانی را در ستایش ابعاد وجودی مختار حق (ص) بررسی کرده و با استناد به شواهد و مصادیق شعری، فضیلت پیامبر اکرم (ص) را بر دیگر پیامبران نشان داده است. سعیدالله قره‌بگلو (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «سیمای حضرت محمد (ص) در شعر خاقانی» شاهدمثال‌های مرتبط با موضوعاتی که دربارهٔ آن حضرت است را گردآوری و به زمینه‌های بسیاری در این باره اشاره کرده است؛ البته دیدگاه یا منظر خاصی برای تحلیل آنها در نظر نگرفته است. مقالهٔ «سیمای پیامبر اعظم در دیوان خاقانی» از جهانگیر صفری و روشنگ رضایی (۱۳۸۶)، ابتدا با استفاده از منابع و مراجع، اشاره‌ای مختصر به حوادث تاریخی و خصایل فردی و اجتماعی آن حضرت کرده و سپس شواهد شعری مناسب را از دیوان خاقانی آورده است. در این مقاله همچنین به جلوه‌هایی از سخنان و احادیث پیامبر (ص) در شعر خاقانی توجه شده است و نویسندگان با توجه به نمونه‌های متعدد و متنوع شعری که در این زمینه در دیوان خاقانی دیده می‌شود، توجه و ارادت خاقانی را به دین و حضرت رسول (ص) نشان داده‌اند. زهرا کریم‌زاده (۱۳۸۷) در مقالهٔ خود با عنوان «سیمای پیامبر (ص) در دیوان خاقانی» حوادث زندگانی آن حضرت را توصیف و به نمونه‌های شعری آنها در دیوان خاقانی اشاره می‌کند و خاقانی را شاعر پیامبر می‌داند. مرتضی محسنی و همکاران (۱۳۹۰) در مقالهٔ خود با عنوان «بازتاب زیبایی‌شناسی سیمای پیامبران در قصاید خاقانی» به بازتاب همهٔ پیامبران الهی، از جمله حضرت رسول اکرم (ص) در دیوان خاقانی نگاهی اشاره‌ای و مختصر داشته‌اند. همچنین مقالهٔ «تجلی شخصیت پیامبر در شعر فارسی عالمان حوزوی شیعی» از غلام‌رضا رئیس‌یان و هوشنگ استادی (۱۳۹۱) و مقالهٔ

«نقد و بررسی مدایح نبوی کعب بن زهیر و خاقانی» از ناصر محسنی‌نیا و سیدامیر جهادی (۱۳۸۹) کاری تطبیقی و محدود در موضوع مورد بحث این پژوهش است. در حوزه کتاب، عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۸۳)، در کتاب *دیدار با کعبه جان* که کتابی شناخته شده است، توضیحات تکمیلی درباره اصطلاحات، اسامی، ایرادات و مشکلات بعضی از قصیده‌ها با محوریت توصیف کعبه ارائه می‌دهد و در عین حال، از پیامبر^(ص) و ابیات مربوط به آن در دیوان خاقانی نیز سخن می‌گوید. علی سجادی (۱۳۹۰) در کتاب *خاقانی، ستایشگر پیامبر و کعبه* به تفسیر سی قصیده از قصاید خاقانی همت گماشته است، بی آنکه درصدد تحلیل نو و جدیدی از آنها باشد. عباس ماهیار (۱۳۸۵)، در کتاب *گنجینه اسرار* بر مبنای مطابقت نعت نبوی خاقانی با احادیث و روایات سیره‌نویسان به ابیات موضوع مورد بحث پرداخته است. سیدضیاءالدین دهشیری (۱۳۴۸) در کتاب *نعت حضرت رسول اکرم^(ص)* در شعر فارسی، فقط به گردآوری نمونه‌هایی از نعت پیامبر^(ص) در شعر شاعران سده‌های مختلف و توضیح اصطلاحات و لغات آنها پرداخته و کتاب *پرنده ستایش در ایران* از هوشنگ جاوید (۱۳۸۸) در حیطه موسیقی نوشته شده است که به نعت و نعت‌خوانی نیز اشاراتی دارد. آثار دیگری نیز وجود دارد که نعت نبوی و تصویر آن حضرت، در آنها محور اصلی نبوده است. آنچه موجب تفاوت این مقاله است، پرداختن و تبیین نعت به عنوان زیرگونه‌ای ادبی است که به ساختار آن از نظر محتوا، انگیزه سرودن نعتیه‌ها و ویژگی‌های مضمونی و... در دیوان خاقانی می‌پردازد.

۲. نعت در دیوان خاقانی

۲-۱. نعت در لغت

«نعت» اسم عربی به معنی صفت، نشان، نشانی و وصف است و جمع آن نعت است. این‌منظور نعت را چنین تعریف می‌کند: نعت عبارت است از توصیف چیزی که ستایش می‌کنی به آنچه در وجودش است و در توصیفش مبالغه می‌کنی و آن چیزی است که ستایش می‌شود به خودش^۳ (۱۴۰۸: ۶۶۸).

۲-۲. نعت در اصطلاح ادبی

بهترین کلام بعد از حمد خداوند بسیار دانا، ستایش برترین مخلوقات، حضرت نبی^(ص) است که نیکوترین سلام‌ها بر او و خاندانش باد (دهشیری، ۱۳۴۸: ۶)!

نعت در اصطلاح، شعر یا نثری است که در مدح و ثنای حضرت ختمی مرتبت (ص)، ذکر صفات نیکو و محموده و خصایل حمیده ایشان و به‌طور کلی درباره وجود آن حضرت سروده شده باشد. احمد هاشمی نیز در *جوهرالادب مدح را ثنای خصوصیتی قابل تحسین در صاحب نعت می‌داند*^۴ (۱۳۶۸: ۳۴۳). ابن رشیق قیروانی در *العمدة فی محاسن الشعر و آدابہ و نقدہ آورده است*: شعر بر چهار پایه مدح، هجا، نسیب و رثاء بنا شده است. وی نعت را زیر مجموعه‌ای از مدح دانسته و این خود نشانگر اهمیت آن است (۱۴۰۸: ۱۲۱).

هرچه از آغاز اسلام گذشت، نعت رسول اکرم (ص) نیز افزون‌تر شد و در دوره‌های متأخرتر تاریخی این سروده‌ها از قوت ساختاری و زبانی بیشتری برخوردار شدند و این شاعران مسلمان و شیفته حضرت رسول (ص) بودند که با بهره‌گیری زیباشناسانه از قوه تخیل و مهارت‌های زبانی خویش، زمینه‌های شاعرانه و ادبی این گونه شعری را گسترش دادند و آن را به شکل گونه‌ای مستقل و ارزشمند در ادب فارسی قوت بخشیدند.

۲-۳. قصاید خاقانی

مجموعه اشعار خاقانی در نعت از آثار زیبایی اوست که با الهام از مفاهیم قرآنی، دینی، احادیث، اتفاقات و حوادث زندگانی حضرت رسول (ص) سروده شده است. گرچه آثار شاعر در این زمینه بازتاب شرایط روحی و روانی اوست، نشانه‌ای محرز از علاقه‌مندی وی به حضرت ختمی مرتبت است. در واقع اسلام و وجود حضرت مصطفی (ص) محور مرکزی گفتمان دینی خاقانی است و تمام تصاویر، مفاهیم، ترکیبات و شاخه‌های فرعی آثار او در این گفتمان جا دارد. ساختار و تمامیت اشعار نعتی او با محوریت حضرت مصطفی (ص) و عناصر گسترده دین اسلام و گاهی مسیحیت، دارای عمق و وسعت خاصی شده است. گفتمان دینی در دیوان شاعر، گفتمانی انکار ناپذیر است؛ همان‌گونه که محور مرکزی این گفتمان حضرت مصطفی (ص) است. او جدای از قصاید زیادی که در آنها به نعت ایشان پرداخته است و جدای از غزلیات، ترکیب بندها، قطعات و ...، حتی در برخی قصاید نیز که امرا و شاهان شروان را مدح می‌کند، سرانجام، آنها را به مدح رسول اکرم (ص) پیوند می‌زند و با یاد و نامی از ایشان قصیده را پایان می‌دهد.

نکته قابل تأمل، اعتقاد و باور خاقانی به ثنای حضرت مصطفی (ص) است که در همه جای آثارش به آن اشاراتی کرده است؛ چنان‌که طبع خود را در نکاح ثنای رسول (ص) می‌داند:

اسمای طبع من به نکاح ثنای اوست
زان فال سعد از اختر اسما برآورم
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۴۷)

و می‌گوید مادر طبعش برای ثنا حضرت سوگند خورده است:

سوگند خورده مادر طبعم که در ثنانش
از یک شکم دوگانه جوزا برآورم
(همان)

و خود را بلبل باغ ثنا گفته^۵، ثنای ایشان را داروی مفرحی برای درمان روح و روان خویش دانسته است^۶ و همچنین طبع خود را به واسطه ثنای حضرت مصطفی^(ص) همچون کوثر می‌داند:

امروز کز ثنانش مرا هست کوثری
رخت از گوثری به ثریا برآورم
(همان)

شاعر حضرت را قبله ثنا می‌داند.^۷ او دلیل این ارادت و ثنا را در بیتی از قصیده چهارم در نعت آن حضرت چنین بیان می‌کند:

ز بارگاه محمد ندای هاتف غیب
به من رسید که خاقانیا بیار ثنا
(همان: ۱۴)

و ابیاتی دیگر در این باره که برای پرهیز از اطناب به خود دیوان واگذاشته می‌شود. بی‌شک یکی از دلایل «حسان العجم» خوانده شدن خاقانی همین موضوع بوده است. او گذشته از اعتقاد فراوان به حضرت محمد^(ص)، یادکردهای بسیار و متنوع از ایشان و رویدادها و حوادث زندگی وی دارد و به ثناگویی حضرتش افتخار می‌کند. گاهی خود را با حسان بن ثابت که به دلیل نعتیه‌هایش به «حسان العرب» معروف است، مقایسه می‌کند و البته هرچند نام حسان بن ثابت در دیوان بسیاری از شاعران فارسی آمده است، بیشترین بسامد تکرار نام حسان العرب در دیوان خاقانی است و به اظهار عوفی، منشی کلمات حسان بوده است؛ به همین جهت «حسان العجم»، «ثانی حسان» و «نیابت‌دار حسان» خوانده شده است.^۸

خاقانی نام ۱۸ پیامبر را در دیوانش آورده است که بیشترین بسامد تکرار و کاربرد آن (۲۳۷ بار) به حضور جلوه‌های مختلف (۲۸ جلوه) زندگی حضرت مصطفی^(ص) تعلق دارد و کمترین بسامد از آن چند تن از پیامبران الهی (شیث، زکریا، صالح و یوشع) است (هرکدام یک بار). «ایجاد فضای جدید و طرح موضوعات مختلف یکی از موارد استفاده شاعر از سرگذشت و داستان‌های پیامبران است که به نظر می‌رسد برترین آنها مدح و نعت است.» (محسنی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۲) و البته از تلمیح به پیامبران و حضرت

مصطفی (ص) برای پرداخت بسیاری از مضامین شعری سود جسته است و تعبیر جدید، بدیع و منحصر به فردی مانند «عیب پوش عالم اسرار»، «سرو جویبار الهی»، «ترجمان عالم اسرار»، «شفیع زلت آدم» و ... را آفریده^۹ و هیچ گاه از این تلمیحات برای هجو استفاده نکرده است.

خاقانی این گونه با اعتقاد و احترام به آن حضرت (ص) به اندیشه و شعر خود وزن و غنایی خاص بخشیده است. وی در بهره گیری از این عناصر و مضامین علاوه بر برداشت ها و اشاره های بی واسطه و مستقیم به آیات، روایات و احادیث، از درون مایه های حکمی، عرفانی و مذهبی در بدایع و نوآوری های خود به شکل کاملاً هضم شده و ممزوج با دیگر اندیشه هایش سود برده است.

میزان تأثیر از اسلام، قرآن، حدیث و علوم و مضامین اسلامی در شعر و ادب فارسی در اواخر قرن های پنجم و ششم به اوج خود رسید و خاقانی را می توان یکی از شعرای تأثیرگذار قرن ششم دانست که اوج تأثیر مضامین دینی و مذهبی را در ادب و شعر فارسی رقم زده است. از یک سو با بیان اعتقاد و اشراف کاملش بر قرآن، حدیث و مضامین دینی و با حجت آثارش و اذعان خود:

هم امارت هم زبان دارم کلید گنج عرش وین دو دعوی را دلیل است از حدیث مصطفی

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۱۸)

و از دیگر سو، درک درست وی از اینکه واژه های بدون پیشینه و غیرواقعی، واژه هایی بیش نیستند، به مخاطب می رساند که با فرآیند پیچیده یادآوری تاریخی است که واژه ها را به عنوان نشانه یا نماد معنادار و دارای ارزش بیانی به کار می برد و البته همین نشانه ها هستند که دارای ارزش و موجد بصیرتی درباره گذشته اند و پس از یادآوری گذشته و ارتباط معنایی ارزشمند آنها در بیت، لذت بخشی آن واژه ها و شعر را منتقل می کنند.

خاقانی با توصیفات زیبا و تعبیرات گوناگون، وسیع و نو به نعت رسول اکرم (ص)

می پردازد و گاه در همین میان، از دنیا و جفایش هم به آن حضرت پناه می برد:

چون مرا در نعت چون او بی رود چندین سخن از جهان بر چون منی تا کی رود چندین جفا؟

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۲)

شاعر به همان اندازه که تحت تأثیر ذوق و خلاقیت خود است، به صناعات ادبی و آفرینش های هنری نیز معتقد است و این اعتقاد، او را به اوج شعر فنی رسانده است. هنر دیگر خاقانی، توانایی به عینیت رساندن احساسات خویش است. کسی که می تواند

احساس ناملموس خود را عینیت بخشد و موجد لذتی در دریافت آن باشد، به راستی هنرمند است.

یکی از صنایع بدیعی که در شعر خاقانی بسیار دیده می‌شود، اغراق است. او در پرداخت اشعارش گاهی اغراق را چنان ادامه می‌دهد که در مسیر مبالغه و غلو قرار می‌گیرد و گاهی تا آنجا پیش می‌رود که به ادعاهای عجیب و غلو مردود می‌رسد. گرچه نعتیه‌های حضرت مصطفی^(ص) به دور از اغراق است، او در مدح ممدوح در این مورد محدودیتی برای خود نمی‌بیند و تنها به رضایت ممدوح می‌اندیشد و به همین دلیل به این اغراق دست می‌زند:

فوق‌الصفه ز اکرام او، دین مجد والا داشته...	گردون و هفت اجرام او، تحت‌الشعاع جام او
جنت به خاک درگهش، روی تولا داشته...	لب‌های شاهان در کفش، کوثر دم از خاک رهش
هم بوده اسم اعظمش، هم علم اسما داشته	چل صبح، آدم همدمش، ملک خلافت ز آدمش

(همان: ۳۸۵)

نکته‌ای که در این باره قابل توجه است، این است که در مدح و ستایش ممدوحان درباری نیز باز از درون‌مایه‌های نعت رسول اکرم^(ص) استفاده می‌کند و این حاکی از استقرار این اندیشه والا در جان و روحش است:

آدم موسی بنان، موسی احمدقدم...	خسرو مهدی‌نیت، مهدی آدم‌صفت
موسی دریاشکاف، احمد جبریل دم	مهدی دجال‌کش، آدم شیطان‌شکن

(همان: ۲۶۱)

و بدین‌وسيله به ممدوح خود مشروعیتی دینی و جایگاهی ارزشمند می‌بخشد. گاهی نیز شاعر با اراده و آگاهی به نیت بزرگ‌نمایی یا جلوه‌سازی معنی خاصی، آن را با تصویر همراه می‌کند تا به هدف خود برسد؛ مانند تصویرها و ترکیبات دو بیت اخیر (خسرو مهدی‌نیت، موسی احمدقدم، مهدی آدم‌صفت و ...). «این معنی ناشی از برخورد عاطفی گوینده یا شاعر با موضوع نیست. این معنی از پیش‌معین را می‌توان بازسازی ساده و عاری از هرگونه تصویر بیان نمود.

بیشترین اشارات خاقانی درباره حضرت رسول^(ص) به معراج ایشان است و در هر زمینه‌ای از جمله مدح ممدوحان نیز از این واقعه سترگ سود می‌برد

پی برده تا سرفاق اعلی، از علا	ره رفته تا خط رقم اول، از خطر
-------------------------------	-------------------------------

(همان: ۶)

از نظر صنایع لفظی، در قصاید خاقانی بیشترین بسامد تشبیه و مجاز برای حضرت مصطفی (ص) به کاررفته است (۱۵۵ تشبیه و ۲۰ مجاز) و پس از آن، این جایگاه از آن حضرت عیسی است (۱۳۴ تشبیه و ۷ مجاز). به نظر می‌رسد به این دلیل خاقانی بیشتر از تشبیه استفاده کرده است که به آسانی می‌توان با برجسته کردن مشبه آن را محسوس و تعریف کرد و به همین دلیل، گاهی اضافه‌های تشبیهی را نیز در موضوع پیامبران بسیار آورده شده است:

بر در مرقد سلطان هدی ز ابلق چرخ	مرکب داشته را ناله هرآ شنوند
خود جنیبت به درش داشته بینند براق	کز صهیلش نفس روح معلا شنوند...

(همان: ۱۰۳)

و این بیت:

حبل الله است معتکفان را دو زلف او	هم روز عید و هم شب قدر اندرو نهان
-----------------------------------	-----------------------------------

(همان: ۳۱۱)

از جمله «سلطان هدی»، «سرو جویبار الهی»، «خزینه‌گشای مجاهز ارواح»، «خلیفه کتاب معلم اسما»، «شاه بشر»، «تاجر صاحب نصاب»، «خسرو هشتم بهشت» و ... بسیاری از تشبیهات است که در ادب فارسی نمونه‌های آن با این کیفیت کم نظیر است.

۲-۴. تحلیل محتوای نعت نبوی قصاید خاقانی

نعت‌های حضرت مصطفی (ص) اغلب شامل فخر و مباحات به وجود آن حضرت، بیان خصائل نیکو و ارزشمند پیامبر، اشاره به ویژگی‌های معنوی ایشان و حتی ملزومات متعلق به وی، دعا و التجا و توسل، بیان ادبی و هنری اخلاق و سیره رسول، موعظه و پند و بیان معجزات و حوادث زندگانی ایشان و ... است که متناسب با فضای فکری و روحی شاعر و حتی مخاطبان سروده شده است. به‌طور کلی می‌توان درون‌مایه‌های نعت نبوی را در شعر خاقانی این‌گونه بیان کرد:

۲-۴-۱. ستایش وجود ذی وجود حضرت مصطفی (ص) و فخر به ایشان

پی ثنای محمد برآر تیغ ضمیر	که خاص بر قد او بافتند درع ثنا
او مالک الرقاب دو گیتی و بر درش	در کهتری مشجره آورده انبیا
هم موسی از دلالت او گشته مصطنع	هم آدم از شفاعت او بوده مجتبی

(همان: ۱۳)

نطقش معلمی که کند عقل را ادب خلقش مفرحی که دهد روح را شفا
(همان: ۴)

مفاخره و مباحات از عناصر اصلی درون مایه نعتیه‌های خاقانی درباره حضرت محمد^(ص) است که بیشترین نعت‌ها را دربرمی‌گیرد؛ مفاخراتی در بیان عظمت شخصیت ایشان که همه مثبت و گاهی غلوآمیز است، اما از آنجا که از سر علاقه و ارادت به پیامبر است، مخاطب آنها را بی‌چون و چرا می‌پذیرد. گذشته از مباحات به وجود آن حضرت، گاهی القاب و نام‌های ایشان، برتری‌های وی بر دیگر پیامبران و ... دست‌مایه نعت‌های خاقانی می‌شود.

۲-۴-۲. توسل و التجا به حضرت رسول^(ص)

در زمان‌های گوناگون و در پستی و بلندی‌های سخت روزگار اتصال به یک منبع والا و متعالی مانند حضرت رسول^(ص) می‌تواند تسکین‌دهنده و امیدبخش باشد. همچنین دوستان آن حضرت، در مقام توبه از گناهان و اشتباهات، به وجود نازنین ایشان تمسک می‌جویند و از ایشان در پیشگاه حضرت حق درخواست شفاعت دارند؛ به همین دلیل، شاعران مسلمان نیز در سختی و دشواری روزگار و توبه از نفسانیت نفس، به این قطب راسخ و آرام‌بخش التجا می‌کنند و از او مدد می‌خواهند.

«در تمامی گونه‌های نعت ادبی و عامیانه، شاعر نعت‌سرا به هر شکل ممکن، ضمن آنکه به درگاه الهی و دامان پاک پیامبر^(ص) دست یازیده، هدف خود را از نعت خویش بیان داشته تا گناهان کرده و نکرده‌اش موردبخشایش قرارگیرد و با رویی و نامه‌ای سپید محشور روز جزا باشد» (جاوید، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

خاقانی از شاعرانی است که در این توسل از بسیاری از شعرا پیشی گرفته است.

۲-۴-۳. ستودن اندیشه‌های والا و ارزشمند، ویژگی‌های معنوی، خصال نیک و ... پیامبر^(ص) یکی از زمینه‌های ستایش و تبلیغ اندیشه‌های ارزشمند دین اسلام و پیامبر اکرم^(ص)، نعتیه‌هایی است که درباره ایشان سروده شده است و نتیجه علاقه شاعران به ایشان و الایبی و ارزشمندی دین اسلام و جایگاه حضرت رسول^(ص) در نزد شاعران و ادیبان است. گاهی در کنار این سجایا و خصوصیات معنوی ویژه و جدای از معجزات ایشان، کرامات وی نیز برشمرده می‌شود.

ور تو اعمی دیده‌ای، بر دوش احمد دار دست کاندرین ره قائد تو مصطفی به مصطفی

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۲)

هزار فصل ربیعش جنیبه دار جمال هزار فصل ربیعش خریطه دار سخا

زبان در آن دهن پاک گفتی که مگر میان چشمه خضر است ماهی گویا
(همان: ۹)

۲-۴-۴. موعظه و پند با استفاده از فضای نعت آن حضرت (ص)

در اغلب نعت‌ها و ستایش‌های حضرت مصطفی (ص) گاه آشکار و گاه پنهان و شاعرانه، پندی وجود دارد که رستگاری را در پیوستن به ایشان و اتصال به ریسمان الهی می‌داند؛ پندهایی که معمولاً به خصائل نیکوی حضرت هم اشاراتی دارد. گاهی نعت‌ها دارای درون‌مایه‌های اندازی و موعظه‌ای هستند که در اثر همنشینی با نعت آن حضرت و در کنار بیان ویژگی‌های معنوی و اخلاقی ایشان، تأثیرگذاری بیشتری می‌یابند و گاهی پندهای این اشعار توصیه‌های دینی و اخلاقی است که از پیامبر اکرم (ص) درباره آنها روایاتی وجود دارد؛ از جمله پیوستن به دین اسلام و پیروی از آن برای رسیدن به رستگاری، کسب دانش، پاکی و صفای دل، تمسک به قرآن، توسل به آن حضرت، تقوای پیشگی و ...

در دل مدار نقش امانی که شرط نیست	بتخانه ساختن ز نظرگاه پادشا
دنیا به عرض فقر بده وقت من یزید	کان گوهر تمام عیار ارزد این بها
در چار سوی فقر درآ تا ز راه ذوق	دل را ز پنج نوش سلامت کنی دوا

(همان: ۳)

۳-۴-۵. ثنای ویژگی‌های ظاهری، ملزومات و متعلقات به آن حضرت (ص) و کارکردهای آنها

...یعنی امسال از سربالین پاک مصطفی	خاک مشک‌آلود بهر حرز جان آورده‌ام
خاک بالین رسول‌الله همه حرز شفاست	حرز شافی بهر جان ناتوان آورده‌ام

(همان: ۳۱۰)

دو شاخ گیسوی او چون چهار بیخ حیات	به هر کجا که اثر کرد اخرج المرعی
-----------------------------------	----------------------------------

(همان: ۹)

۳-۴-۶. وصف معجزات، حوادث و اتفاقات رخ داده به سبب وجود مبارک پیامبر (ص)

آن بت‌شکن که به تعریف او گرفت	هم قاف و لام رونق و هم کاف و نون بها
آن شب که سوی کعبه خلت نهاد روی	این غول دار بادیه را کرد زیر پا
آمد پی متابعتش کوه در روش	رفت از پی مشایعتش سنگ در هوا

(همان: ۵)

۳-۴-۷. ستایش حضرت مصطفی (ص) به همراه منقبت اهل بیت و امامان

گاهی ستایش و نعت حضرت، منقبتی از اهل بیت و امامان معصوم به دنبال دارد که در این نوع نعت علاوه بر بزرگداشت اهل بیت، بر جدایی‌ناپذیری نبی و اهل‌بیتش تأکید دارد:

در علمش میر نحل نیزه کشیده چو نحل غرقه صد نیزه خون اهل طعان و ضراب

(همان: ۴۴)

شاهها عرب‌نژادی و هستی به خلق و خلقت شاه بشر چو احمد و نرّ عرب چو حیدر

(همان: ۱۹۰)

اغلب نعت‌ها دارای درون‌مایه‌های حماسی، وعظی، بشارتی و دعایی هستند و گاهی چند درون‌مایه را دربردارند.

۳-۵. اغراض نعت‌ها

۳-۵-۱. نخستین انگیزه سرودن نعتیه‌های خاقانی، بزرگداشت مقام نبوت و احترام به وجود آن پیامبر اکرم (ص) و مقام شامخ ایشان است. از آنجاکه مسلمانان وجود ایشان را برکت و مایه فخر و مباهات می‌دانند و به اعتقاد آنها، ایشان انسان کامل و دارای بالاترین رتبه انسانی در این جهان و عالم باقی هستند، یادکرد و نعت آن حضرت انگیزه سرودن نعتیه‌های فراوانی شده است؛ از جمله در قصیده «منطق الطیر»:

باج ستان ملوک، تاج ده انبیا کز در او یافت عقل خط امان از عقاب

احمد مرسل که کرد از تپش و زخم تیغ تخت سلاطین زگال، گرده شیران کباب

جمع رسل بر درش مفلس طالب زکات او شده تاج رسل تاجر صاحب نصاب

(همان: ۴۴)

۳-۵-۲. دومین دلیل سرودن نعتیه‌ها، التجا و تمسک به پیامبر رحمت (ص) است. گاهی شاعران برای سرودن این مدایح جز احترام به مقام یگانه آن حضرت، به ایشان تمسک می‌جویند تا از این طریق از نظر روحی به پایگاه محکم و بی‌بدیل ایشان متصل و از نیروی فراطبیعی و روحانی این ارتباط و التجا، در رفع موانع و سردرگمی‌های این دنیای مادی کمک جویند:^{۱۰}

از مصاف بولهب فعلا نپیچانم عنان چون رکاب مصطفی شد مأمن و ملجای من

(همان: ۳۲۴)

از خشکسال حادثه در مصطفی گریز کانک به فتح باب ضمان کرد مصطفی

(همان: ۱۷)

۳-۵-۳. ادای دین به حضرتش یکی دیگر از دلایل سرودن نعتیه‌های نبوی در قصاید خاقانی است:

چون نوبت نبوت او در عرب زدند	از جودی و احد صلوات آمدش صدا
بر خوان این جهان زده انگشت در نمک	ناخورده دست شسته ازین بی‌نمک ابا...
او رحمت خداست جهان خدای را	از رحمت خدای شوی خاصه خدا

(همان: ۱۷)

۳-۵-۴. گاه برای به‌دست‌آوردن نیروی معنوی لازم برای روح و جان خود به نعت حضرت مصطفی (ص) می‌پردازد:

بر آستان کعبه، مصفا کنم ضمیر	زو نعت مصطفای مزگی برآورم
------------------------------	---------------------------

(همان: ۲۴۷)

۳-۵-۵. اعتباربخشی به اثر خویش، یکی دیگر از دلایل سرودن بعضی از مدایح نبوی است. بسیاری از شعرای زبان فارسی به اعتبار نام آن حضرت، دیوان خود را متبرک و مستحسن کرده‌اند:

خاطر خاقانی است مدح‌گر مصطفی	زان ز حش بی‌حساب هست عطا در حساب
کی شکند همتش قدر سخن پیش غیر	کی فکند جوهری دانۀ دُر در خلاب

(همان: ۴۵)

با سایه رکاب محمد عنان در آر	تا طرقتوا زنان تو گردند اصفیا
------------------------------	-------------------------------

(همان: ۴)

۳-۶-۳. نعت نبوی از جنبه کمی و شکلی در قصاید خاقانی

از نظر کمی و شکلی نعت نبوی در قصاید خاقانی گاه به اشاره‌ای در یک مصراع، یک بیت، بخشی از یک قصیده، یک قصیده کامل و یا گاه به بیش از صد بیت می‌رسد.

۳-۶-۱. یک قصیده

از جمله در قصیده‌ای که ۷۴ بیت دارد با این مطلع:

سریر فقر تو را سر کشد به تاج رضا	تو سر به جیب هوس درکشیده اینت خطا
----------------------------------	-----------------------------------

(همان: ۱۰)

در دیوان خاقانی در مجموع ۱۳۲ قصیده با ۸۱۰۲ بیت وجود دارد که ۱۲ قصیده (۷۵۱ بیت) صرفاً در نعت حضرت مصطفی (ص) است؛ مانند قصیده «منطق الطیر» که اوج هنرنمایی خاقانی در نعتیه‌سرایی است با مطلع:

زد نفس سر به مهر صبح ملمع نقاب
خیمه روحانیان کرد معنبر طناب
(همان: ۴۱)

این قصیده با این ابیات پایان می‌یابد:

ذات حق سلطان سلطانان و کعبه ملک‌وار
چون ز راه مکه خاقانی به یثرب داد روی
مصطفی را شحنه و منشور قرآن دیده‌اند
پیش صدر مصطفی ثانی حسان دیده‌اند
(همان: ۹۵)

۳-۶-۲. قسمتی از یک قصیده

در این گونه موارد، قصیده در بردارنده موضوعاتی از جمله مدح کسی، شکایت از روزگار یا ... است که سرانجام با نعت یا التجا و تمسک به حضرت محمد^(ص) پایان می‌یابد. در قصاید خاقانی، هشت قصیده درباره کعبه، خاک بالین رسول^(ص) و تخلص به مدح ایشان است که عبارت‌اند از: قصیده ۲۹ با مطلع «شب روان در صبح صادق کعبه جان دیده‌اند»، قصیده ۶۳ با مطلع «صبح از حمایل فلک آهیخت خنجرش»، قصیده ۶۵ با مطلع «در پرده دل آمد دامن‌کشان خیالش»، قصیده ۷۳ با مطلع «صبح‌وارم کآفتابی در نهان آورده‌ام»، قصیده ۹۲ با مطلع «سنت عشاق چیست برگ عدم ساختن»، قصیده ۹۴ با مطلع «ضمن‌دار سلامت شد دل من»، قصیده ۹۵ با مطلع «صبحدم چون کله بندد آه دود آسای من»، قصیده ۱۱۰ با مطلع «صبح‌خیزان بین به صدر کعبه مهمان آمده».

به درگاه رسول‌الله پنه ساز
که درگاه رسول‌اعلی و اعلی
مراد کاف و نون، طاها و یاسین
که عین رحمتست از فضل ذوالمن
به دستش داده هفت ایوان خضرا
کلید هفت شادروان ادکن
(همان: ۳۲۰)

تعدادی از قصاید نیز که در مدح بزرگان سروده شده است، با نعت حضرت رسول^(ص) پایان می‌یابند؛ مانند قصیده ۹۰ با مطلع «هین کز جهان علامت انصاف شد نهان» (همان: ۳۱۲).

۳-۶-۳. اشاره‌ای در یک یا چند بیت برای عرض ارادت

قاسم رحمت ابوالقاسم رسول‌الله که هست
در ولای او خدیو عقل و جان مولای من
(همان: ۳۲۴)

گاهی دنباله نعت‌ها به رثای حضرت مصطفی (ص) می‌انجامد و آرزوها و دعاهایی بیان می‌شود که دیدار و التفات آن حضرت را می‌طلبد. با توجه به نمونه‌های فراوان، این آرزوها و دعاها معمولاً با عواطف واقعی و عقیده قلبی به آن پیامبر رحمت (ص) ظهور و بروز یافته‌اند. در بسیاری از نعتیه‌هایی که درباره مقام آن حضرت سروده شده است، پای حکمت، خرد، شجاعت، صداقت و بسیاری از محاسن اخلاقی و اجتماعی به میان کشیده می‌شود، از آنجاکه حضرت مصطفی (ص) سرچشمه این صفات و ویژگی‌هاست، با یادکرد نیکویی‌های ایشان، این صفات نیکو رنگ می‌یابد و رخ می‌نماید.

«بدیهی است هر شاعری به مقتضای ذوق و روح و محیط تربیتی و مشرب و مذهب خاص معنوی خود به نحوی به ذکر مناقب بزرگان دین پرداخته است و کلام هر کدام از گویندگان، مذاقی و صبغه‌ای دارد، ولی به هر صورت، اشارت به معجزات و کرامات و خوارق عادات نبی و ولی، وجه مشترک عموم آنان است» (دهشیری، ۱۳۴۸: ۵).

همچنین شایان ذکر است که خاقانی، نعتیه‌ها را اغلب در قالب قصیده و با استفاده از صنایع مختلف ادبی، اعم از لفظی و معنوی، از جمله تلمیح به روایات قرآن و احادیث و ... ، استشهداد به قصص و روایات و ... و تضمین به آیات صریح قرآن و دیگر روش‌ها سروده و براساس دانش و ذوق و خلاقیت خویش، به ذکر فضایل و بیان حقایق معنوی و جایگاه یگانه آن حضرت پرداخته است.

۳-۷. ویژگی‌های ساختاری و مضمونی نعتیه‌های نبوی در قصاید خاقانی

۳-۷-۱. حقیقت‌گویی و واقع‌نمایی

گرچه در شعر برخی از شاعران خلاق و دوستدار پیامبر (ص) گاهی جلوه‌های ادبی و هنری خاصی بروز و ظهور یافته و حتی گاهی بداهه‌پردازی‌ها در این نوع از شعر، موجب اغراق، مبالغه و غلو شده است، تاریخ ظهور پیامبر اکرم (ص) و دین اسلام در تاریخ جهان کاملاً مشخص و روشن است و در این تاریخ، حوادث و وقایعی رخ داده است که همه حکایت از شکوه و جلال آن حضرت و عظمت دین مبین اسلام دارد و این خود موجب وزن و ثقل این موضوع است و بیان این واقعیات در نعت، آن حضرت را از هر پیرایه غیرواقعی بی‌نیاز می‌سازد. زیرساخت فضای شاعرانه نعت‌ها، همه از تاریخ باشکوه و استوار اسلام سرچشمه می‌گیرد و از واقعیات موجود سخن می‌گوید و صنایع شاعرانه در آن فقط برای زیبایی کلام استفاده شده است. این موضوع در آثار خاقانی نیز همین‌گونه است.

۳-۷-۲. پرهیز از مبالغه‌گویی‌های بی‌پایه

از آنجاکه ممدوح این‌گونه از اشعار، حضرت مصطفی^(ص) است، در بیان مدح و نعت ایشان، خاقانی به مبالغه‌گویی و زیاده‌روی در بیان اوصاف و احوال ایشان نیازی ندیده است و با بیان احوال و اوصاف واقعی آن حضرت که نشان از جایگاه رفیع ایشان دارد، به نعت ایشان پرداخته‌است.

۳-۷-۲. پرهیز از نسبت‌های ناروا و دروغ‌پردازی

وجود ارزشمند حضرت رسول اکرم^(ص) و عدم نیاز ایشان به تعریف و اوصاف غیرواقعی و ناروا موجب شده است شاعران از نسبت‌های ناروا و غیرواقعی به ایشان پرهیز کنند و از آنجاکه دروغ و نسبت ناروا دادن به پیامبر یکی از محرمات دینی است، بسیاری از شاعران مسلمان، از جمله خاقانی از آن پرهیز کرده‌اند.

۳-۷-۳. مستندبودن وقایع و حوادث مورد اشاره در نعتیه‌ها

خاقانی در نعت‌های حضرت رسول^(ص) دست به آفرینش صحنه‌ها، تصاویر یا توصیف‌هایی شاعرانه زده است که موجب برانگیختن احساسات و عواطف خواننده شود، اما این توصیف وقایع و اتفاقات، شامل رویدادهایی است که به‌طور واقعی در دوران ایشان و پس از آن رخ داده است و بنابراین، تاریخی مستند در زیرساخت و درون‌مایه این نعت دیده می‌شود.

۳-۷-۴. پرهیز از واژگان منفی، مهجور و بی‌ارزش و ناخوشایند

به دلیل اینکه موضوع نعت، حضرت ختمی مرتبت است و قصد خاقانی نیز نعت ایشان است، در هیچ قسمتی از نعت، واژگان منفی و دور از شأن ایشان دیده نمی‌شود و همه واژگان با دقت و انتخاب بهینه، در چیدمان ساختاری و مضمونی نعت قرار می‌گیرند.

۳-۷-۵. استفاده عالمانه از واژه‌های مثبت، شیوا و شورانگیز

همان‌گونه که سعی می‌شود در نعت پیامبر^(ص) از واژگان دارای بار منفی و ناخوشایند پرهیز شود، شاعر سعی می‌کند در نعت‌های خود به‌شایستگی واژگان را انتخاب کند و از کلماتی در شأن و رتبه آن حضرت^(ص) بهره‌گیرد.

۳-۷-۶. استحکام ساختار درونی و بیرونی در همراهی مضمون

یکی از ویژگی‌های نعت نبوی و اشعاری که در این باره سروده شده است، روانی معنی، سادگی و شیوایی کلام در کنار توصیف‌های زیبا و شاعرانه از آن حضرت و خصایل پسندیده

ایشان است. همچنین دوری از پیچیده‌گویی و پرهیز از اغراق و ناروا نویسی و در مقابل آن سعی در مستدل، عاطفی، مثبت و خالص‌نویسی درباره آن حضرت، همه و همه موجب استواری ساختار درونی و بیرونی این اشعار شده است.

خاقانی عرصه ادبیات و شعر را عرصه‌ای مهیا و مناسب برای بیان اعتقادات و اندیشه‌های دینی خود نیز می‌داند که این‌گونه با استفاده از این اندیشه‌های والا به عمق اعتقادات و باورهای دینی سیر می‌کند. او همچنین معتقد است شعرش با استفاده از این مضامین، از جمله اصلی‌ترین عنصر وجودی دین اسلام، یعنی حضرت مصطفی (ص)، اصالتی برتر و ارزشی عمیق‌تر می‌یابد؛ به همین دلیل، در جای‌جای دیوانش این گرایش به روشنی دیده می‌شود. او همچنین با کمک آموزه‌ها و گزاره‌های دینی به بسط و تعمیق معرفت دینی و با کشف مفاهیم نو از مستندات تاریخی دینی، به تکامل معرفت اسلامی می‌پردازد.

۴. نتیجه

نعت به‌عنوان یکی از زیرگونه‌های بلاغی شعر فارسی در آثار خاقانی دارای ویژگی‌ها و مشخصات ساختاری و محتوایی خاص خود است. با توجه به علاقه و باور او به پیامبر اکرم (ص) و اعتقاد به مصفا شدن ضمیرش با ذکر یاد آن حضرت، نعتیه‌های بسیاری در منزلت و مقام ایشان دارد که موجب دریافت لقب «حسان‌العجم» هم شده است. نعت‌های خاقانی از درون‌مایه‌هایی همچون ستایش وجود حضرت مصطفی (ص) و ستودن اندیشه‌های ارزشمند و ویژگی‌های معنوی ایشان، توسل و التجا به حضرت، موعظه و پند با استفاده از نعت سرچشمه می‌گیرد و یا ثنا و وصف ویژگی‌های ظاهری و متعلقات ابزاری ایشان است. گاهی نیز از معجزات و حوادث دوران زندگی ایشان با تعبیر شاعرانه شگفت یاد کرده و یا در وصف و ستایش اهل‌بیت پیامبر و یاران و انصار وی سخن گفته است.

همچنین خاقانی با انگیزه‌های متفاوت، اما باورمندانه به سرودن این نعتیه‌ها در قصایدش پرداخته است؛ انگیزه‌هایی چون بزرگداشت مقام نبوت و احترام به ایشان، در کنار نعت‌های نذرگونه و تمسک‌جویانه به پیامبر اکرم (ص) در مواقع رویارویی با مشکلات و حوادث، ادای دین و اظهار ارادت به پیامبر و اعتباربخشی به اثر خویش براساس اذعان خود شاعر، از آن جمله است.

پی‌نوشت

۱. مانند قصیده «بانت سعادت» کعب بن زهیر که به «برده» نیز معروف است، در قسمت آخر آن وقتی به نعت حضرت^(ص) می‌پردازد، ابیاتی را به وصف شیری که پیامبر را به او تشبیه کرده اختصاص داده و از همه صفات او به هیبت و هدایت بسنده کرده است (الفاخوری، ۱۳۹۳: ۱۷۴).

۲. «پیامبر همانند نوری است که از آن روشنی می‌گیرند، شمشیری است هندی از شمشیرهای برکشیده خداوند. از میان گروهی از قومش که چون اسلام آوردند، گوینده آنها در مکه فرمان داد: اکنون هجرت کنید. مهاجرت کردند و همواره در میدان نبرد نه ناتوانند و نه ناپایدار و نه آنها که سلاح می‌افکنند و بر دشمن پشت می‌کنند» (همان: ۱۷۵-۱۷۶).

۳. «و المدح: و هو الثناء علی ذی شأن بما يستحسن من الاخلاق النفسية كرجاحة العقل و العفة و العدل و الشجاعة و ... (هاشمی، ۱۳۶۸: ۳۴۳).

۴. النَّعْتُ: وَصْفُكَ الشَّيْءَ، تَنْعَتُهُ بِمَا فِيهِ وَتُبَالِغُ فِي وَصْفِهِ؛ وَالتَّعْتُ: مَا نُعِتَ بِهِ (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۶۶۸).

۵. گفتم امروز کیست تازه‌سخن در جهان گفت که خاقانی است بلبل باغ ثنا
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۳۷)

۶. برای رنج دل و عیش بدگوارم ساخت جوارشی ز تحیت، مفرحی ز ثنا
(همان: ۳۰)

۷. ذاتش مراد عالم و او عالم کرم شرعش مدار قبله و او قبله ثنا
(همان: ۵)

۸. خاقانی را به سبب مهارت فراوان در شعر، عمویش کافی‌الدین، به این لقب خوانده است:
چون دید که در سخن تمامم حسان عجم نهاد نامم
(خاقانی، ۱۳۸۷: ۲۲۰)

و جامی در بهارستان چنین آورده است: وی (خاقانی) را به سبب کمالی که در صناعت شعر داشته، «حسان‌العجم» لقب کرده‌اند (جامی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

و ... خاقان ولایت بود، از آن سبب خاقانی لقب یافت، منشی کلمات حسان بود، بدان روی حسان‌العجم نام یافت (عوفی، ۱۳۲۱: ۲۲۱).

۹. خاقانی، پیامبر^(ص) را با نام‌های زیادی در دیوان یاد کرده است که برخی از آنها عبارت است از: احسن الصور (۴)، امانت‌دار یزدان (۴۴۶)، امی صادق کلام (۴۴) بحر دست صاحب فیض (۸۷۷)، قدوه کائنات (۲۳۷)، قابل وحی (۱۵۳)، عامل عدل (۱۳۳)، قبله ثنا (۴)، قابل امانت الهی (۱۷) و ...

۱۰. نعت او حرز جان خاقانی است کز جهانش اجتناب دیدستند
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۸۷۸)

خاک بالین رسول‌الله همه حرز شفاست حرز شافی، بهر جان ناتوان آورده‌ام
(همان: ۲۵۸)

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸)، لسان العرب المحيط، تحقیق یوسف خیاط، جزء السادس، بیروت، دارالجيل و دار لسان العرب.
- الفاخوری، حنا (۱۳۹۳)، *تاریخ ادبیات زبان عربی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، چاپ نهم، تهران، توس.
- جامی، احمد (۱۳۸۵) *بهارستان و رسائل*، تصحیح اسماعیل حاکمی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات اطلاعات.
- جاوید، هوشنگ (۱۳۸۸)، *پزند ستایش در ایران*، تهران، سوره مهر.
- خاقانی، بدیل بن علی (۱۳۸۷)، *تحفة العراقین*، به کوشش علی صفری آق قلعه، تهران، میراث مکتوب.
- _____ (۱۳۸۲)، *دیوان خاقانی*، تصحیح و تعلیق به کوشش ضیاءالدین سجادی، چاپ هفتم، تهران، زوآر.
- دهشیری، سیدضیاءالدین (۱۳۴۸)، *نعت حضرت رسول اکرم (ص)*، تهران، بی نا.
- رادمنش، عطامحمد (۱۳۸۸)، «بازتاب کمال نبوی در دیوان خاقانی»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، زمستان، ش ۴، ۲۳-۴۴.
- رئیسیان، غلامرضا و هوشنگ استادی (۱۳۹۱)، «تجلی شخصیت پیامبر در شعر فارسی عالمان حوزوی شیعی»، *ادبیات و هنر دینی*، ش ۳، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۷۳-۱۹۷.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹)، *دیدار با کعبه جان (درباره زندگی، آثار و اندیشه خاقانی)*، تهران، سخن.
- سجادی، علی (۱۳۹۰)، *خاقانی*، ستایشگر پیامبر و کعبه، تهران، سخن گستر.
- صفری، جهانگیر و روشنگ رضایی (۱۳۸۶)، «سیمای پیامبر اعظم در دیوان خاقانی»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۹، ۹۵-۱۱۴.
- عوفی، محمد (۱۳۲۱)، *لباب الالباب*، به سعی و اهتمام و تصحیح افل عباد و ادوارد برون، لیدن، مطبعه بریل.
- قره‌بگلو، سعیدالله (۱۳۸۲)، «سیمای حضرت محمد (ص) در شعر خاقانی»، *ادبیات فارسی*، ش ۱، ۵۱-۷۷.
- قیروانی، حسن بن رشیق (۱۴۰۸ق)، *العمده فی محاسن الشعر و آداب*، تحقیق محمد قرقزان، بیروت، دارالمعرفة.
- کریمزاده، زهرا (۱۳۸۷)، «سیمای پیامبر (ص) در دیوان خاقانی»، *کیهان فرهنگی*، ش ۲۶۱ و ۲۶۲، ۴۲-۴۸.
- ماهیار، عباس (۱۳۸۸)، *گنجینه اسرار*؛ شرح مشکلات خاقانی، چاپ دوم، کرج، جام گل.
- محسنی، مرتضی و همکاران (۱۳۹۰) «بازتاب زیبایی‌شناسی سیمای پیامبران در قصاید خاقانی»، *متن شناسی ادب فارسی*، دوره ۳، ش ۱۱، ۵۹-۱۰۸.
- محسنی‌نیا، ناصر و سیدامیر جهادی (۱۳۸۹)، «نقد و بررسی مدایح نبوی کعب بن زهیر و خاقانی»، *لسان مبین*، ش ۲، ۱۷۱-۱۹۵.
- هاشمی، احمد (۱۳۶۸)، *جواهر الادب فی ادبیات و انشاء العرب*، چاپ چهارم، تهران، استقلال.